

# تحریف عهدین

دانشمندان غیر متعصب مسیحی به وقوع تحریف در عهدین اعتراف کرده‌اند .

بسیاری از مطالب و محتویات این کتابها که دلیل روشنی بر اصل «اختلاط» و آمیختگی سخنان دیگران با آنها است، عبارات صریحی نیز در این کتابها دیده می‌شود که از وجود تحریف و دگرگونی حکایت دارد. مثلا در عهد عتیق از زبان «ارمیای» پیامبر نقل شده که از این پس مبادا کلام خدا را برای مردم بازگو کنید. زیرا که سخن خدا را و از گونه کرده‌اند! در این باره می‌خوانیم: «لیکن وحی «یهوه» (خدا) را دیگری ذکر نماید زیرا کلام هر کس وحی او خواهد بود چونکه کلام خدای حی یعنی یهوه خدای ما را منحرف ساخته‌اید». (۱)

باز از قول همین پیامبر در کتاب منسوب به او نقل شده که وی، مردم را بجهت عدم تشخیص بین کلام خدا و خلق تو بیخ می‌کند و از اینک، مذهبی حکمت

گرچه در گذشته با نشان دادن موارد فراوانی از تناقض و اختلاف در عهد عتیق و جدید، دانستیم که دست خیانت‌گر تحریف، در کتابهای مذهبی یهود و مسیحیت راه یافته، و آنها را از صورت اصلی و آسمانی شان بیرون برده است؛ با این حال، می‌خواهیم بدانیم که آیا از متون این کتابها می‌توان نشان کامل دگرگونی و تحریف را بخوبی دید؟ و آیا منابع مذهبی یهود و مسیحیت و دانشمندان ایشان به تحریف و تحول این کتابها توجه و اعتراف دارند یا نه؟

بررسی و تحلیل کتابهای به اصطلاح آسمانی ا مسیحیت و مطالعه و وقت در متون و محتوای آنها وجود تحریف و علائم «دست خوردگی» را بخوبی آشکار می‌سازد. علاوه بر ناهماهنگی و غیر معقول بودن

۱- کتاب از میای نبی باب ۲۳ جمله ۳۶

تحریری که در عهد عتیق و جدید تحقق یافته است:

### در عهد عتیق

در کتاب دوم «سموئیل»، داستانی درباره گناه «داود» و خطاب و عتاب خداوند به او نقل شده که ضمن آن، کیفر خطای آن پیامبر یا هفت سال قحطی یا سه سال در حال فرار از دشمن یا سه روز ابتلای به باد در روی زمین مقرر شده است. کتاب نامبرده در این باره می‌نویسد: کلام خداوند به «جاد» نبی که دائی داود بود نازل شد، بروداود را بگو خداوند چنین می‌گوید: سه چیز پیش تومی گذارم پس یکی از آنها را برای خود اختیار کن تا برایت بعمل آورم، پس جاد نزد او آمده اورا با خبر ساخت و گفت: یا هفت سال قحط در زمین بر تو عارض شود یا سه ماه از حضور دشمنان خود فرار نمایی یا باستان ترا تواب کنند و یا وباسه روز در زمین تو واقع شود پس الآن تشخیص نموده که نزد فرستنده خود چه جواب بپریم» (۳)

عین همین داستان در کتاب «اول تواریخ ایام» نقل شده ولی با تفاوت و تحریف فاحش. در این کتاب می‌خوانیم: پس «جاد» نزد او آمده وی را گفت خداوند چنین می‌فرماید: برای خود اختیار کن یا سه سال قحط بشود یا سه ماه پیش روی خصمانت تلف شوی و شمشیر دشمنان ترا در گیرد یا سه روز شمشیر خداوند و با در زمین تو واقع شود و فرشته خداوند تمامی حدود اسرائیل را ویران

و متابعت از انبیاء هستند مورد ملامت قرار می‌دهد چنانکه می‌نویسد:

«چگونه می‌گوئید که ما حکیم هستیم و شریعت خدا با ما است، در حالی که قلم کاذب کاتبان به دروغ عمل می‌نماید» (۱)

نظیر آنچه از کتاب ارمیا نقل کردیم در کتاب اشعیای نبی باب ۲۹ جمله ۱۶ نیز بچشم می‌خورد. در عهد جدید هم عباراتی هست که صریحاً از تحریف و دگرگونی کتابهای مذهبی مسیحیت حکایت دارد. برای نمونه «پطرس» که بزرگترین شاگرد مسیح است، در مقام توجه دادن مردم به مشکلات مذهبی و تحمل رنج برای نجات ورهائی از هلاکت می‌گوید: و همچنین (پولس) در سایر رساله‌های خود این چیزها را بیان می‌نماید که در آنها بعضی چیزها است که فهمیدن آنها مشکل است و مردمان بدون علم و ناپایدار، آنها را مثل سایر کتابها تحریف میکنند تا به هلاکت خود برسند» (۲)

«پولس» رسول نیز در رساله خود که برای «غلاطیان» نوشته و فرستاده است، از اینکه مردم، انجیل مسیح را گذاشته و دنبال انجیل دیگری می‌روند و کتاب او را تبدیل و تحریف می‌نمایند، شدیداً اظهار تعجب و تأسف می‌کند.

(نگاه کنید به رساله پولس رسول به غلاطیان باب اول جمله ۸)

اینک می‌پردازیم به بیان چند نمونه از موارد

۱- کتاب ارمیای نبی باب ۸ جمله ۸

۲- رساله دوم پطرس باب ۳ جمله ۱۶

۳- کتاب دوم سموئیل باب ۲۴ جمله‌های ۱۳-۱۴

و دست خوردگی انجیل به وجود آمده است .

گرچه اختلافها و تفاوتهای بین انجیل متی و لوقا در موضوع یاد شده بسیار است و از جهات متعددی قابل بحث می باشد، لیکن ما پس از بررسی؛ تنها به تشریح دو اختلاف اساسی و مهم آن میپردازیم :

۱- از سخنان متی معلوم میشود که مادر مسیح در بیت لحم سکونت داشت و این اقامت مدت دو سال ادامه داشت و هم در اینجا بود که مجوس حضرت مسیح را ستایش کردند و هدیه ها و تحفه ها به ساحت او تقدیم داشتند. ولی پس از آن «یوسف» (پدر مسیح بر حسب عقاید مسیحیان) خواب دید و بدنبال آن خواب؛ مسیح و مادرش را برداشته به جانب مصر حرکت کرد و تا زمانیکه «هرودیس» زنده بود در آنجا مقیم بودند. همینکه هرودیس وفات کرد دوباره خواب دید بر گشت و در «ناصره» اقامت گزید.

ولی انجیل «لوقا» مینویسد: پدر و مادر مسیح؛ بعد از انقضای ایام نفاس مریم به «اورشلیم» رفتند و عبادت ایام عید را بجا آوردند و چون ایام عبادت سپری شد؛ بشهر خود ناصره بازگشتند و هر ساله در آن ایام بجهت عبادت به اورشلیم میرفتند. بنا بر این؛ با همه صراحتیکه «متی» درباره رفتن مسیح با والدین خود بسوی مصر و اقامت آنان در طول مدت حیات هرودیس؛ در آن سرزمین دارد؛ لوقا یکسره والدین او را از «بیت لحم» به جانب اورشلیم می برد، و بلافاصله از آنجا به صوب و وطن واقعی

سازد، پس الان بین که نزد فرستنده خود چه جواب برم» (۱)

در مقایسه بین جمله های این دو کتاب، علاوه بر تحریف معنوی که مورد قبول تمام مسیحیان و یهودیان جهان است، تفاوت و تحریف لفظی نیز آشکارا بچشم می خورد تا آنجا که سموئیل می نویسد هفت سال قحطی خواهد شد ولی تواریخ ایام می گوید سه سال قحطی به اضافه ویرانی همه حدود و ثغور اسرائیل!!

این تحریف و دگرگونی که به ایجاد اختلاف و تناقض بین دو کتاب نام برده منجر گشت، محققان مسیحی مانند «آدم کلارک» را بر آن داشت که صریحاً بوجود تحریف و دست خوردگی در این کتابها اعتراف کنند. وی در تفسیری که بر کتب مقدسه نوشته ذیل عبارتی که از سموئیل نقل کردیم می نویسد: آنچه که در تواریخ ایام آمده است، بانسخه عهد عتیق یونانی مطابقت دارد و آن هفت سال قحطی که سموئیل می نویسد تحریف شده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد. (۲)

### در عهد جدید:

داستان ولادت مسیح و سکونت مادر او در «بیت لحم» و سپس حرکت بسوی «اورشلیم» و حوادثی که در این نقاط رخ داده، در دو کتاب از عهد جدید (متی و لوقا) تقریباً بتفصیل بیان شده است.

مطالعه و دقت در این کتاب، اختلاف و تفاوت آشکاری را نشان می دهد که قطعاً به دنبال تحریف

۱- کتاب اول تواریخ ایام باب ۲۱ جمله های ۱۱-۱۲

۲- انیس الاعلام طبع جدید ج ۳ ص ۱۲

از آنجا که تفاوت و اختلاف این دو انجیل، بهیچ وجه قابل تفسیر نبوده است «نورتن» دانشمند معروف مسیحی با همه اعتقادی که به اناجیل دارد، الزاما اعتراف کرد که انجیل متی در موضوع مورد بحث، با توجه به جمله آخر باب دوم آن که می گوید: مسیح به بلده «ناصره» ساکن شد تا آنچه که در کتب انبیاء گفته شد تمام شود که به ناصری خوانده خواهد شد» قطعا تحریف شده است! زیرا در هیچ يك از کتابهای انبیاء دیده نشده که مسیح به ناصره خواهد رفت و یا شهرت عیسی ناصری خواهد یافت.

آری، تنها نورتن نیست که با همه حمایت پیدرفیش از اناجیل، به تحریف و دست خوردگی این کتابها اعتراف دارد اگر به کتابها نیکه دانشمندان و حتی حامیان عهدعتیق و جدید نوشته اند مراجعه کنیم می بینیم هر کدام آنان ضمن مباحث خود به مناسبتی از تفاوتها و اختلافات عهدین که در نتیجه تحریف پدید آمده سخن می گویند مثلاً دانشمند معروف «و. م. میبلر» که شدیداً به کتابهای مذهبی مسیحیت پای بند است و بسیار دیده شده که در مقام دفاع و حمایت از آنها دچار تکلف و زحمت گردیده، در عین حال، گاه چاره ای جز این نداشت که به تحریف و تفاوت این کتابها اقرار کند چنانکه می گوید: گرچه کاتبان کمال دقت و سعی را مبذول میداشتند تا اشتباهاتی رخ ندهد، باز رفته رفته بعد از چند قرن در نسخه های جدید «تفاوتهای فاحشی» در مقایسه با نسخه های قدیم مشاهده میشد. (۱)

یعنی ناصره حرکت می دهد!!

۲- از انجیل متی به روشنی استفاده میشود که مردم اورشلیم و هرودیس (حاکم این شهر) قبل از خیر دادن مجوس؛ از ولادت مسیح اطلاعی نداشتند و تمام این مردم با وی عداوت و عناد داشتند؛ در حالی که لوقا می گوید: هنگامیکه مسیح با پدر و مادرش پس از سپری شدن ایام نفاس مریم؛ به اورشلیم رفتند؛ مرد صالحیکه از روح القدس برگشته و به او وحی شده بود که قبل از دیدن مسیح نخواهد مرد؛ مسیح را دید و شناخت و پس از ادای احترام در «هیکل» دست او را گرفته بالا برد و او صافش را برای مردم بیان نمود. لوقا در اینجا مینویسد: علاوه بر آن مرد صالح؛ زنی هم بنام «حننا» که دارای مقام نبوت بود (بر حسب عقاید مسیحیت) به مردم که منتظر مسیح بودند خبر داد که مسیح موعود؛ همین شخص است. اکنون با این تفاوت آشکار که در عبارات این دو کتاب پیرامون معرفت و محبت مردم نسبت به مسیح طبق نوشته لوقا و جهالت و عداوت مردم در مورد این پیامبر، بر حسب سخن متی به چشم می خورد، چه توجیه منطقی میتوان نمود؛ اگر راستی هرودیس و اهل اورشلیم با مسیح معاند و دشمن بودند چرا آن مرد صالح، وی را بالای دست بلند نمود و او صافش را برای همه بازگو کرد؟ و چرا آن ذن با داشتن مقام پیامبری، مسیح را به تمام حضار و منتظران مقدمش معرفی کرد؟ و خلاصه اختلاف و تضاد سخن متی و لوقا را در رفتن مسیح به مصر و زرفتنش به آن سرزمین چگونه باید حل نمود؟

من بعد ماعقلوه وهم یعلمون» یعنی: آیا انتظار دارید که (یهود و اهل کتاب) به شما بگردند در حالیکه گروهی از آنها گفتار خدا را می‌شنیدند و آن را پس از فهمیدن دگرگون می‌کردند و خود می‌دانستند. ما آرزو مندیم انسان معاصر که دژهای محکمی از اسرار جهان طبیعت را شکافته و از نظرگاه علمی بحقیقت پیوسته است، از حصار تعصب و تعالیم تحریف شده مذاهب در آید و به عقاید فطری و معارف منطقی اسلام - گردن نهد.

با این بیان، آیا عاقلانه است که هنوز ما تحت تاثیر تعصبات مذهبی و غیر منطقی قرار بگیریم و حقیقت - جو آزاد فکر نباشیم؟ گرچه می‌دانیم تا وقتی که رهبران روحانی مذاهب به دنبال مطامع و امیال خود، کلام خدا را تحریف و دگرگون می‌سازند، امید پیروزی فکری و عقیدتی توده‌های پیرو کمتر است. چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: «افتطمعون ان یومنوا لکم وقد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه



بقیه از صفحه ۱۵

آری این قرائن نشان می‌دهد که رستم امیدی به پیروزی نداشت با فسادای که بر اجتماع آن روز حکومت میکرد برای رستم دشوار نبود که شکست ایران را در برابر سپاه تازه نفس و بی باک اسلام پیش - گوئی کند.

اگر آن روز مردم این سرزمین سرپرست کاردان و جهان دیده ای داشت بدون جنگ و خونریزی با مسلمانان کنار می‌آمدند. و این خسارات مالی و جانی که بطرفین رسید نتیجه اشتباه بزرگ خسرو پرویز و دیگران بود با اینکه مسلمانان کرا را خواستار صلح شدند اما....

بیند این عربها چقدر بد لباس و ژنده پوش هستند؟! رستم بر آشفت و گفت وای بر شما؛ چرا به لباسشان نگاه میکنید؟! بسخن و منطق محکم و حکیمانانه آنها بنگرید. ملازمان رستم از این سخن سخت آزرده شدند و گفتند این سخن را پیش ما مگویی و از حرفهای آنها هم زیاد تعجب مکن و خود را برای جنگ آنها آماده ساز...

رستم گفت: این سخن را بشما نه از آن جهت گفتم که قصد پیکار با آنها را ندارم بلکه این سخن را از آن جهت گفتم که شما را از حال آنان باخبر سازم و واقیبتی را با شما در میان بگذارم و آنچه در دل دارم باشما بگویم.

مکتب اسلام